



چهارشنبه اول مرداد ۱۴۰۴ ۱۶ صفحه ۲۰ هزار تومان ۴ سال چهارم شماره ۸۴۰
www.hammihanonline.ir

گزارش
شهر
۲۳

گزارش
هسته‌ای
۶-۷

گزارش
فناوری
۱۴-۱۵

تلاش تهران برای زنده ماندن

درباره وضعیت پایتخت که پس از کم‌آبی و گرما امروز هم با اشعه فرا بنفش درگیر است

بمباران غیر موثر

ارزیابی پژوهشگران حوزه امنیت هسته‌ای از تاثیر حملات آمریکا به تاسیسات ایران

محاصره طلایی

بررسی اقدام بانک مرکزی در مسدودسازی ۳۹ روزه درگاه‌های پلتفرم‌های آنلاین طلا



عزای چهل روزه کشته شدگان جنگ

روایت‌های جدید از چند غیرنظامی که در حملات اسرائیل به ایران کشته شدند



گزارش
دولت
۱۶

فیلترینگ راه نفوذ را باز کرد

بررسی توضیحات وهشدارهای دیروز وزیر ارتباطات در مجلس درباره آلودگی شبکه و اختلالات اینترنت

این جنگ گرچه تهدید بود، ولی فرصتی هم شد، البته اگر استفاده شود. فرصت برای همه بود. از جمله فرصتی خوب بود برای مخالفان فن‌آوری و اینترنت که بدانند زندگی در دنیای امروز نه تنها بدون اینترنت ممکن نیست، بلکه هرگونه پیشرفتی هم مشروط به تقویت آن است. اگر هم عوارضی دارد یا باید با آن بسازیم یا کوشش کنیم که عوارض را کاهش دهیم. راه دیگری در میان نیست. مانمی‌دانیم هدف از طرح پرسش‌های نمایندگان مجلس از وزیر ارتباطات در جلسه دیروز مجلس چه بود؟ هرچه بود، سبب خیر شد و آقای وزیر فرصتی یافت تا حقایق زیر را برای نمایندگان روشن کند: اینکه: اینترنت حتی واجب‌تر از خیلی نیازهای دیگر شده است. اینکه: فعالیت و ارائه خدمات در تمام حوزه‌های زندگی از ارتباطات گرفته تا بانکداری و خرده‌فروشی و خدمات بهداشتی و... همگی تحت تاثیر یا وابسته به وجود اینترنت هستند. اینکه: امرار معاش ده میلیون نفر از شهر وندان ما به صورت مستقیم و غیر مستقیم به حوزه اقتصاد دیجیتال گره خورده است. هر گونه محدودیتی در اینترنت زندگی این بخش بزرگ از مردم را در خطر قرار می‌دهد. اینکه: در شرایط جنگی اخیر، در حوزه اقتصاد دیجیتال و اشتغال: حدود ۳۰ درصد کاهش اشتغال داشتیم. تقریباً هر روز، به اندازه پانصد میلیارد تومان؛ یعنی چیزی حدود ماهی ۱۵ هزار میلیارد تومان که معادل اعتبارات سالانه برخی از وزارتخانه‌هاست، از ارزش افزوده اقتصاد کم شده و بیکاری را افزایش خواهد داد. اینکه: چقدر این حوزه ضربه‌پذیر است و باید پاکیزه نگهداری شود؛ به‌طوری که در زمان ۱۲ روز جنگ حدود ۲۰ هزار حمله سایبری صورت گرفته و با کوشش کارشناسان خنثی شده است. اینکه: شبکه ملی اطلاعات به معنای منفک شدن از دنیا نیست، بلکه انجام بسیاری از مولفه‌های آن به تعاملات جهانی وابستگی دارد. اینکه: اینترنت ایران آلوده است. دلیل آن نیز فیلترینگ و عدم پذیرش مردم و کوشش برای دور زدن آن از طریق فیلتر شکن‌های مجانی است که کیفیت شبکه را هم کاهش داده. اینکه: تصمیم به محدودیت اینترنت از سال ۱۴۰۱ و در دولت قبل گرفته شده است. این سیاست نادرست نه تنها هیچ دستاوردی جز تقویت اقتصاد سیاه فیلتر شکن فروشی و جاسوسی و آلودگی شبکه نداشته؛ بلکه موجب تضعیف این فن‌آوری هم شده است. اینکه: اگر نمی‌توانند تولید محتوا کنند این تقصیر اینترنت نیست. با بستن اینترنت مشکل جناح حاکم حل نخواهد شد، بدتر می‌شود. اینکه: بی‌توجهی به توسعه اینترنت موجب فرار و مهاجرت نخبگان از کشور می‌شود و این یک خطر جدی علیه امنیت ایران است. اینها فقط بخش قابل ذکر در فضای عمومی درباره معضلات مربوط به اینترنت است. به‌طور معمول، در گفت‌وگوهای خصوصی نکات بسیار بیشتری هم گفته می‌شود. حال پرسش این است که آقای رئیس‌جمهور در برابر این توضیحات مستدل وزیر خودشان که بخشی از حقایق علمی را روشن کرد، چه اقدامی خواهند کرد؟ ما انتظاری از ذی‌نفعان دشمن اینترنت نداریم، ولی آیا این انصاف است که همچنان حقوق ۶۰ میلیون کاربر اینترنت و مطالبات ملی به قیمت وفاق نادیده گرفته شود؟ وفاقی که طرف مقابل آن به هیچ صراطی مستقیم نیست؟ آقای پزشک‌های حتماً از نتایج نظرسنجی‌ها مطلع هستند که در دوران جنگ اولین دغدغه نیمی از مردم و با فاصله زیاد عدم دسترسی به اینترنت بوده است. حالا چگونه می‌توان به نام وفاق در برابر شورای عالی فضای مجازی که کسی آنان را نمی‌شناسد، حقوق حقه این مردم را نادیده گرفت؟ شعار وفاق ارزشمند و موثر است؛ اما آیا به این قیمت گراف؟

هشدارها روپاها ناترازی‌ها

بررسی مقایسه‌ای مواضع دولت‌های حسن روحانی سید ابراهیم رئیسی و مسعود پزشکیان درباره بحران آب و برق

به رسمیت شناختن اپوزیسیون

درباره آنچه مسعود پزشکیان دیروز در دیدار با اصلاح‌طلبان گفت

هرچند نفس دیدار اعضای جبهه اصلاحات ایران با مسعود پزشکیان در آستانه اولین سالگرد استقرار او در جای‌گاه نهمین رئیس‌جمهوری ایران حائز اهمیت است اما آنچه او در این دیدار گفته هم واجد نکات صریح و مهمی است و راز بی‌توجهی اخبار صداوسیما به آن نیز شاید همین باشد! درباره وجه نخست می‌توان یادآور شد اقتدارگرایان خاصه بعد از خالص‌سازی نخبه‌ستیز ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۳ از مرگ اصلاحات سخن می‌گفتند و بعد از آن دوره هم باز عنوان انتخاباتی «جبهه انقلاب» را برای خود برگزیده بودند؛ به این معنی که به جای دوگانه اصول گرا- اصلاح طلب، جبهه انقلاب در مقابل ضدانقلاب شکل گرفته و اگر هم نه ضدانقلاب که «غیر انقلابی» و اصرار داشتند کلیت انقلابی با آرمان‌های مدرن و متکثر را به خودشان و آرزوهای انحصار طلبانه‌شان تنزل و تقلیل بدهند و وقتی می‌گفتند جبهه انقلاب باید به نامزد واحد برسد به معنی آن بود که پزشک‌های را غیر خودی می‌دانند. حال آن که در سوابق انقلابی از آنان کم نداشت و نه نامزد آنان که وزیر دولت دوم اصلاحات و کاندیدای جبهه اصلاحات ایران بود. پس پیام اول این است که هم اصلاحات زنده است هم جبهه اصلاحات و هم اصلاح‌طلبان. دوم این که اصول‌گرایان رادیکال به پزشک‌هایی تن داده بودند تا تنها از ناترازی آب و برق بگویند و سراغ گران کردن قیمت بنزین بروند و آنان هم بتوانند کاسه کوزه تبعات احتمالی اجتماعی را بر سر او بشکنند. آنچه در عمل و خصوصاً بعد از جنگ ۱۲ روزه می‌بینند اما یک پزشک‌های سیاسی‌تر و صریح‌تر است که اگر چه تمرکز خود را بر رفع مشکل ناترازی گذاشته اما از ناترازی در سیاست هم غافل نیست ضمن این که به صراحت یادآور شده دولت وارث ناترازی‌های گذشته است؛ هر چند می‌توانست جملات مشهور حسن روحانی را هم یادآوری کند (آب خوردن ما هم در گرو رفح تحریم‌هاست) و در اشاره به آن میراث این پرسش درمی‌گیرد که آنچه در دولت سه‌ساله مرحوم رئیسی و حتی طی یک سال بعد از سانحه ورزقان در کیهان به آن مجموعه نسبت داده می‌شد تا چه اندازه قرین به صحت بوده است. درباره آنچه در این دیدار گفته و البته بر اساس متن رسمی منتشره هم می‌توان بر چند نقطه شاخص‌تر درنگ کرد: مهم‌تر از همه بی‌گمان این جمله است: «امروز حتی آمادگی داریم بر مبنای انصاف و عدالت با اپوزیسیون نیز گفت‌وگو کنیم، چرا که حل مسائل کشور نیازمند گفت‌وگو و نه تقابل است». کمتر سابقه داشته لفظ «اپوزیسیون» را از زبان مقامات رسمی بشنویم. در نگاه صفر و صدی یا «با مالی یا بر ما» و «چون با ما نیستی پس بر مای» و «هر که بر ماست باطل است». در نگاه اصول‌گرایی رادیکال و تمامیت‌خواهان، حقیقت آینه‌ای نیست که از آسمان فرو افتاده و هر تکه آن نزد کسی است تا با کنار هم قرار دادن آنها بتوان به بخشی از حقیقت دست یافت بلکه حقیقت آینه‌ای است که از آسمان فرو افتاده اما تکه تکه نشده و تمام آن در اختیار آنهاست و خودشان را در آن نظاره می‌کنند و عین حقیقت می‌پندارند و غیر خودشان جملگی اگر مصداق باطل نباشند بر طریق باطل اند. این سخن پزشک‌های یعنی تمام حقیقت نزد ما نیست. فراموش نکنید در دوران خالص‌سازی (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳) تفکری به قوه مجریه و ارکان دولت هم تسری یافته بود که هیچ‌یک را به رسمیت نمی‌شناخت و کافی است با سخنان اخیر نماینده قم و یکی از چهره‌های شاخص جبهه پایداری درباره دو بیانیه مقایسه شود. آقای قاسم روان‌بخش نه تنها به بیانیه ۸۰۰ امضایی فعالان سیاسی تاخته که بخشی از آنان ذیل همین عنوان اپوزیسیون غیر برانداز و قانونی قابل تعریف‌اند که ۱۸۰ اقتصاددان را به دعوت به تسلیم متهم کرده در حالی که آنچه آنان بر آن انگشت نهاده‌اند «شیفت پارادایم» یا «تغییر رویکرد» است؛ همان مضمونی که دکتر ولایتی مشاور ارشد رهبری هم بر آن تأکید کرده است. ← P



مهرداد خدیر
معاون سردبیر